

## داستانک

## پندهای لقمان به پسرش

لقمان حکیم روزی پسر خود را گفت: «امروز به تو سه پند می‌دهم که اگر به کار بندی در زندگی کامروا شوی و هیچ غمی نیایی. اول اینکه همواره سعی کن در زندگی بهترین غذاها را بخوری. دوم اینکه همه تلاش خود را به کار بند تا در بهترین بسترها بخوابی. سومین توصیه‌ام به تو این است که برای محل زندگی خود در بهترین سراها و خانه‌ها جای گیری.» پسر لقمان در جواب گفت: «پدر ما یک خانواده بسیار فقیر هستیم، چطور من می‌توانم این امکانات را برای خود فراهم کنم. دیگر اینکه اندر زهای شما با شیوه و راهی که تاکنون در زندگی به من آموخته‌اید متفاوت است. می‌خواهم بدانم دلیل این موضوع چیست؟» لقمان در جواب پسرش گفت: «من هیچ چیز جدیدی نگفتم و هیچ عمل متفاوتی از تو انتظار نداشتم و ندارم. تو اگر کمی دیر هنگام و کمتر غذا بخوری، هر غذایی که به دهان می‌بری طعم بهترین غذای جهان را خواهد داد. اگر بیشتر کار کنی و دیرتر بخوابی، هر جاکه سرت را روی زمین بگذاری احساس می‌کنی بهترین خوابگاه جهان است. در پایان اگر با مردم دوستی کنی و به آنها عشق بورزی، در قلبشان جای خواهی گرفت و آنگاه بهترین خانه‌های جهان از آن تو خواهد بود.»

## درس بهلول به شیخ جنید

روزی بهلول، شیخ جنید بغدادی را گفت: «بگو بدانم طعام چگونه می‌خوردی؟» عرض کرد: «نخست بسم الله می‌گویم و لقمه کوچک برمی‌دارم و آهسته می‌جویم و به دیگران نظر نمی‌کنم و در موقع خوردن از یاد حق غافل نمی‌شوم.» بهلول گفت: «حال بگو بدانم سخن چگونه می‌گویی؟» عرض کرد: «سخن به قدر می‌گویم و بی حساب نمی‌گویم و به قدر فهم مستمعان می‌گویم و خلق را به خدا و رسول دعوت می‌کنم.» بهلول گفت: «آنگونه بگو بدانم از آداب خوابیدن چه می‌دانی؟» جنید هر آنچه از آداب خوابیدن که از حضرت رسول (ص) رسیده بود بیان کرد. بهلول برخاست و فرمود: «تو می‌خواهی که مرشد خلق باشی در صورتی که هنوز نه طعام خوردن می‌دانی، نه سخن گفتن و نه خوابیدن!» خواست بود که جنید دانشش را گرفت و گفت: «ای بهلول من هیچ نمی‌دانم، تو مرا بیاموز.» بهلول فرمود: «بدان اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن طعام آن است که لقمه حلال باید. در سخن گفتن باید دل پاک باشد و نیت درست و آن گفتن برای رضای خدای باشد. در خواب کردن نیز اصل این است که در وقت خوابیدن در دل تو بغض و کینه و حسد مسلمانان نباشد.»

## سقراط و مرد سخن چین

روزی فیلسوف بزرگی به سقراط حکیم گفت: «می‌دانی راجع به یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟» سقراط پاسخ داد: «لحظه‌ای صبر کن. بگذار آنچه که قصد گفتنش را داری با هم مرور کنیم.» مرد با تعجب پیشنهاد سقراط را پذیرفت. سقراط گفت: «این کار را با سه پرسش انجام می‌دهیم. نخستین پرسش حقیقت است. کاملاً مطمئنی آنچه را که می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟» مرد جواب داد: «نه، فقط در موردش شنیده‌ام.» سقراط گفت: «بسیار خوب. حالا برویم سر پرسش دوم. آنچه را که در مورد شاگردم می‌خواهی به من بگویی خیر خوبی است؟» مرد پاسخ داد: «نه، خبر بسیار بدی است و مطمئناً تو از شنیدن آن برافروخته خواهی شد.» سقراط ادامه داد: «پس می‌خواهی خبری بد در مورد شاگردم که حتی در مورد آن مطمئن هم نیستی بگویی؟» مرد شانه‌هایش را بالا انداخت. سقراط گفت: «اما پرسش سوم در خصوص سودمند بودن است. آنچه را که می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی برایم سودمند است؟» مرد پاسخ داد: «نه. دانستن یاندانستنش هیچ سودی به حال تو یا شخص دیگری ندارد.» سقراط نتیجه گرفت: «اگر می‌خواهی به من چیزی را بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه حتی سودمند، پس اصلاً چرا می‌خواهی آن را به من بگویی؟»

## تقویم تاریخ

## برگزاری نخستین اجلاس اوپک

۶۱ سال پیش، برابر ۱۵ ژانویه ۱۹۶۱ میلادی، نخستین اجلاس رسمی سازمان کشورهای صادرکننده نفت با نام اختصاری اوپک (OPEC)، با حضور ۵ کشور بنیانگذار شامل ایران، عربستان سعودی، عراق، کویت و ونزوئلا در کاراکاس پایتخت ونزوئلا تشکیل شد. کارتل نفتی اوپک هم‌اکنون از کشورهای الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اکوادور، ونزوئلا و آنگولا تشکیل شده است. مقر بین‌المللی اوپک از بدو تاسیس در سال ۱۹۶۱ میلادی در شهر ژنو سوییس بود و در سال ۱۹۶۶ به شهر وین در کشور اتریش انتقال یافت.

## به قدرت رسیدن ژنرال در لیبی

۵۲ سال پیش، برابر ۱۵ ژانویه ۱۹۷۰ میلادی، سرهنگ قذافی، بانام کامل معمر محمد عبدالسلام ابومنیار قذافی، در لیبی به قدرت رسید و با نپذیرفتن عنوان نخست‌وزیر، خود را رئیس شورای فرماندهی انقلاب لیبی خواند. او برای در دست گرفتن قدرت نخستین و آخرین پادشاه لیبی یعنی محمد ادریس سنوسی را که از زمان استقلال لیبی از ایتالیا یعنی سال ۱۹۵۱ بر تخت نشسته بود با یک کودتای نظامی سرنگون کرد و سنوسی که در زمان وقوع کودتا برای درمان در ترکیه به سر می‌برد عازم قاهره شد و تا آخر عمر همانجا ماند. قذافی از ۱۹۶۹ تا سرنگونی در نتیجه جنگ داخلی در سال ۲۰۱۱ میلادی، یکی از طولانی‌ترین دوره‌های زمامداری در طول تاریخ را به نام خود رقم زد.

## سد اسوان، هشتمین شگفتی جهان

۵۱ سال پیش، برابر ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱ میلادی، سد اسوان، هشتمین سد بزرگ جهان (به لحاظ ظرفیت آبیگری) توسط دولت مصر افتتاح شد. آبیگری اسوان یک سال بعد از مرگ جمال عبدالناصر کلید خورد و به همین دلیل دریاچه پشت سد «ناصر» نام گرفت. برنامه ریزی برای ساخت این سد در آلمان انجام شد اما مصری‌ها آن را با کمک اتحاد جماهیر شوروی ساختند و نیکیتا خروشچف رهبر این کشور اسوان را هشتمین شگفتی جهان لقب داد. این سد بخش عمده‌ای از برق کارخانه هاونمازل مسکونی شهرهای گوناگون کشور مصر را تأمین می‌کند.

## آغاز به کار دانشنامه ویکی‌پدیا

۲۱ سال پیش، برابر ۱۵ ژانویه ۲۰۰۱ میلادی، دانشنامه اینترنتی ویکی‌پدیا (Wikipedia) آغاز به کار کرد. ویکی‌پدیا یک دانشنامه اینترنتی چندزبانه با محتویات آزاد است که با همکاری افراد داوطلب نوشته می‌شود و هر کسی که به اینترنت دسترسی داشته باشد می‌تواند مقالات آن را ویرایش کند. نام ویکی‌پدیا واژه‌ای ترکیبی است که از واژه‌های ویکی (وبگاه مشارکتی) و انسیکلوپدیا (دانشنامه یادآور آثر المعارف) گرفته شده است. ویکی‌پدیا هدف خود را افزایش و انتشار جهانی یک دانشنامه آزاد به تمامی زبان‌های زنده دنیا معرفی می‌کند.

## فوکوس



## سخنرانی مارتین لوتر کینگ، مقابل بنای یادبود لینکلن در واشنگتن - ۱۹۶۳

۹۳ سال پیش، برابر ۱۵ ژانویه ۱۹۶۳ میلادی، مارتین لوتر کینگ جونیور، رهبر سیاه‌پوست جنبش حقوق مدنی آمریکا، در شهر آتلانتا به دنیا آمد. لوتر کینگ سال ۱۹۵۵ جنبش ضد تبعیض علیه سیاه‌پوستان را به راه انداخت و برای مدت ۱۳ سال یعنی تا لحظه ترورش به دست یک نژادپرست در سال ۱۹۶۸، آن را رهبری کرد. او همچنین یکی از مشهورترین سخنرانی‌های تاریخ معاصر با عنوان «من رویایی دارم» را مقابل بنای یادبود لینکلن در شهر واشنگتن و برای جمع‌زبانی از آمریکایی‌ها ایراد کرد. لوتر کینگ در این سخنرانی از آزوی خود گفت و بر آرزوهای مردمی در ایالات متحده تحقق مساوات و برابری انسان‌ها را به چشم ببیند.

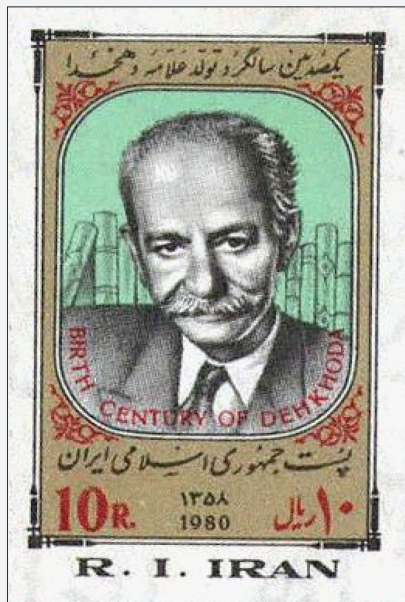
## معا

## تصویب چاپ «لغت نامه دهخدا» با همت دکتر مصدق

به حجم نامتناهی آن، کار یک شخص و یک نهاد نبود و از راه‌های ملی را برای به ثمر رسیدن طلب می‌کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، مقارن سال ۱۳۲۵ خورشیدی با طرح پیشنهادی عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی که در رأس شان دکتر محمد مصدق قرار داشت، و به دنبال آن تصویب ماده واحده‌ای در مجلس، وزارت فرهنگ مکلف به تأمین کارمندان و امکانات لازم برای تدوین لغت نامه شد. به این ترتیب «لغت نامه دهخدا» از یک تصمیم شخصی و فیش‌هایی که توسط یک عاشق زبان فارسی برداشته شده بود، فراتر رفت و عاقبت سال‌ها بعد یعنی در ۱۳۵۹ خورشیدی، آن هنگام که ربع قرن از خاموشی دهخدا (وفات در ۷ اسفند ۱۳۳۴) می‌گذشت، با چاپ تمامی مجلدات توسط چاپخانه دانشگاه تهران به نتیجه رسید.

آنها را بیابد. تا اینکه مقدمات تألیف و سپس انتشار لغت‌نامه از اواخر دهه ۱۳۰۰ خورشیدی فراهم شد و نخستین قراردادها برای این منظور سال ۱۳۱۴ بین وزارت معارف و علی‌اکبر دهخدا منعقد شد. نخستین جلد لغت‌نامه در سال ۱۳۱۸ منتشر شد، اما به دلیل کندی کار چاپخانه بانک ملی، آغاز جنگ بین‌الملل دوم و حجم وسیع کار، چاپ ادامه آن متوقف شد. جلد نخست لغت‌نامه در برابر دریای بیکران واژه‌های زبان فارسی قطره‌ای به حساب نمی‌آمد، اما هر که آن را دست می‌گرفت و ورق می‌زد متوجه می‌شد که پدیدآورنده زحمتی بس عظیم و دقتی بی‌مانند در راه تدوین آن صرف کرده است. دهخدا دقتی بی‌نظیر برای بی‌نقص شدن جلد نخست لغت‌نامه از خود به خرج داده بود و همین موضوع افزایش هزینه‌ها را در پی داشت. در واقع مشخص بود که ادامه کار با توجه

۷۶ سال پیش، برابر ۲۵ دی ۱۳۲۴ خورشیدی، مجلس شورای ملی طرح چاپ «فرهنگ دهخدا» را تصویب کرد. این طرح با قید دو فوریت از سوی ۲۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی تقدیم شد که در آن ضمن اشاره به تحمل زحمات فوق‌العاده و صرف عمر گرانمایه علامه علی‌اکبر دهخدا، ادیب، لغت‌شناس، سیاستمدار و شاعر شهیر در تألیف این دایرةالمعارف فارسی، از هیأت‌رئیس خواسته شده بود اقدام لازم را به عمل آورد تا چاپخانه مجلس، به سرعت اقدام به چاپ دایرةالمعارف فوق‌کنند، بیش از ۴ دهه از عمر دهخدا صرف تدوین سرگرتین و مهم‌ترین اثر او یعنی «لغت‌نامه» شد. دهخدا سالیانی از حیات خود را به فیش برداری اختصاص داده و تنها به این امید که فرصت مرتب‌سازی و انتشار



تمبر یادبود، به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد علی‌اکبر دهخدا - ۱۳۵۸

## فرجام

## وزیر مختار لجوج روس

۲۲۷ سال پیش، برابر ۱۵ ژانویه ۱۷۹۵ میلادی، الکساندر سرگیویچ گریبایدوف، ادیب، آهنگساز و سیاستمدار اهل امپراتوری روسیه در مسکو به دنیا آمد. او که برای مایرانی‌ها چهره‌ای آشناست، اواخر زمستان ۱۸۲۸ میلادی، به عنوان نماینده دربار تزار و با عنوان «وزیر مختار» برای نظارت بر حسن اجرای مفاد عهدنامه ترکمانچای به ایران آمد. جالب است بدانید گریبایدوف همان اندازه که برای مایرانی‌ها به عنوان یک سیاستمدار مطرح است در نزد روس‌ها ادیبی توانا قلمداد می‌شود. معروفترین نمایشنامه او با عنوان «مصیبت عقل» جزو برترین متن‌های تاریخ نمایش این کشور است و نگاهی انتقادی به جامعه روسیه اوایل قرن نوزده میلادی دارد. گریبایدوف هنگام اجرای یکی از بندهای عهدنامه ترکمانچای یعنی «استرداد اسرا»، با لجاجت بر بازگرداندن زنان گرجی که اکثرشان تغییر دین داده و به نکاح مردان ایرانی درآمده بودند اصرار کرد. این میان‌زدانی کردن دوزن گرجی متأهل در ساختمان سفارت روسیه را شاید بتوان بزرگترین اشتباه او در این قضیه برشمرد، زیرا همین اقدام باعث شد ۳۰ ژانویه ۱۸۲۹ مردم خشمگین راهی سفارت روسیه شده، گریبایدوف را در ۳۴ سالگی به قتل برسانند.

## شرح بی‌نهایت

## خانه هستی

باغم عشق تو می‌سازیم ما / با تو پنهان عشق می‌بازیم ما  
در هوای وصل جان افروز تو / پای بند درگه نازیم ما  
مردمی کن برقع از رخ برفکن / تا دل و دین هر دو در بازیم ما  
یک زمان از سر بنه گردن کشی / تا به گردون سر برافزاییم ما  
گر نخواهی گشت با ما مهربان / خانه هستی براندازیم ما  
بعد از این باکس نه پیوندیم دل / بعد از این با خود نپردازیم ما  
چون ز خسرو درد دل بشنید، گفت / غم مخور روزیت بنوازم ما  
امیر خسرو دهلوی

## خزان جدایی

چو نونالد استخوان از جدایی / فغان از جدایی فغان از جدایی  
قفس به بود بلبلی را که نالد / شب و روز در آشیان از جدایی  
دهد یاد از نیک بینی به گلشن / بهار از وصال و خزان از جدایی  
چسان من نالدم ز هجران که نالد / زمین از فراق، آسمان از جدایی  
به هر شاخ این باغ مرغی سراید / به لحنی ذکر داستان از جدایی  
چو شمع‌ام به جان آتش افتد به بزمی / که آید سخن در میان از جدایی  
کشد آنچه خاشاک از برق سوزان / کشیده است هاتف همان از جدایی  
هاتف اصفهانی

